

سیستم انتخاباتی آلمان؛ ساختار و فرایندها

انتخابات آلمان، سیستمی بسیار پیچیده و یک استثنا در جهان است. فهم این سیستم انتخاباتی نیازمند فهم تاریخی از سیاست در آلمان است. سیستمی که در شرایط مختلف تا حدی پایدار است. این سیستم رای‌گیری به‌نوعی بازنمایی دوگانه‌کنشگری فردی و ساختاری است. انتخاب فرد و انتخاب حزب به‌طور هم‌زمان نشان‌دهنده اهمیت هر دو است و اعتماد به فرد به‌تنهایی کافی نیست. حزب به‌عنوان قابل شناسایی است و صلاحیت او بر اساس ادراک جمعی بررسی می‌شود؛ اما در محیط بزرگ‌تر، نیاز به سازمان (حزب) است و اعتماد به فرد به‌تنهایی کافی نیست. حزب به‌عنوان یک سازمان، نوعی از اعتماد جمعی را نمایندگی می‌کند.

سیستم انتخاباتی آلمان یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال کارآمدترین سیستم‌های انتخاباتی در جهان است. این سیستم به‌عنوان «رای‌دهی شخصی‌شدهٔ تناسبی» (personalisierte Verhältniswahl) شناخته می‌شود و ترکیبی از رای‌دهی مستقیم و تناسبی است. در این مقاله، به بررسی جزئیات این سیستم و پاسخ به سؤالات مرتبط با آن می‌پردازیم.

ساختار بوندستاگ

بوندستاگ یا همان پارلمان فدرال آلمان، تا پیش از این از ۵۹۸ نماینده تشکیل شده است که ۲۹۹ نفر از آنها به صورت مستقیم از حوزه‌های انتخابیه و ۲۹۹ نفر دیگر از طریق لیست‌های حزبی انتخاب می‌شوند. این عدد بر اساس قانون اصلاح انتخابات در ۲۰۲۳ به ۶۳۰ کرسی تغییر یافته است. طبق قانون انتخابات فدرال، جمعیت هر حوزه نباید بیش از ۱۵ درصد بیشتر یا کمتر از میانگین جمعیت حوزه‌ها باشد. در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳، میانگین جمعیت هر حوزه انتخاباتی در آلمان حدود ۲۴۰٬۳۲۰ نفر بود. اگر جمعیت حوزه‌ای بیش از ۲۵ درصد از این میانگین متفاوت باشد، باید مرزبندی جدیدی برای آن انجام شود. پیشنهادهای که مرزبندی مجدد حوزه‌ها به دلیل تغییرات جمعیتی توسط یک کمیسیون هفت‌نفره که توسط رئیس‌جمهور آلمان منصوب می‌شود، ارائه می‌شود. برای اجرائی‌شدن این تغییرات، باید قانون انتخابات فدرال توسط بوندستاگ اصلاح شود. آخرین بار در اول فوریه ۲۰۲۴ این تغییرات تصویب شد. ایالت‌های مختلف بر اساس جمعیت، تعداد رای متفاوتی در بوندستاگ دارند. بیشترین رای مربوط به ایالت نوردراین-وستفالن (NRW) است که ۶۴ حوزه انتخاباتی، یعنی حدود ۲۰ درصد کل نمایندگان را شامل می‌شود. این ایالت شهرهای بزرگی مانند کلن، دوسلدورف، بن، بیلفلد، دورتموند، دویسبورگ، آخن، بوخوم و… را شامل می‌شود. ایالت برمن نیز با دو نماینده کمترین سهم را دارد.

نیمی از نمایندگان مجلس افراد انتخاب‌شده در حوزه‌های انتخاباتی هستند و نیم دیگر نمایندگان احزاب سیاسی هستند. به این ترتیب، هر رای‌دهنده در انتخابات بوندستاگ دو رای دارد؛ یک رای برای انتخاب نماینده مستقیم از حوزه انتخابیه خود (رای اول) و یک رای برای انتخاب حزب (رای دوم).

سیستم رای‌دهی دوگانه برآمده از یک درک تاریخی است. از دید این سیستم، سازمان‌های سیاسی مانند احزاب پایه‌های دموکراسی هستند و فرد بدون تعلق به یک سازمان

حزبی نمی‌تواند تأثیرگذاری مناسبی بر سیاست داشته باشد. از سوی دیگر، حزب به‌عنوان یک سازمان سیاسی است که می‌تواند قدرت جامعه را افزایش داده و در برابر دولت‌ها و حکومت‌ها یک توازن قدرت ایجاد کند. به همین دلیل است

که در این ساختار سیاسی تلاش می‌شود تا احزاب تقویت شوند. از سوی دیگر، تقویت احزاب به‌عنوان سازمان‌های سیاسی نباید منجر به حذف خواسته‌های واقعی جامعه شود. به عبارت دیگر حزب نباید مانعی برای انتخاب مردم شود و افراد نیز باید بتوانند به صورت مستقل از حزب سیاست‌ورزی کنند. هر برکه رای دارای دو ستون است. فرد در ستون اول به کاندیدای منطقه خود، یعنی حوزه انتخاباتی خود رای می‌دهد. نکته دیگر آن است که آلمان تا پیش از این انتخابات به ۲۹۹ حوزه انتخاباتی تقسیم شده بود، اما اکنون با توجه به اصلاح قانون انتخابات در سال ۲۰۲۳ این عدد به ۳۱۵ تغییر یافته است. به این ترتیب، رای اول هر شهروندی مربوط به کاندیدایی است که انتخاب می‌کند. هرکس در هر حوزه انتخاباتی انتخاب شود، مستقیم به مجلس بوندستاگ می‌رود. هر چند با توجه به تغییرات اخیر قانون انتخابات، ممکن است یک کاندیدا علی‌رغم رای آوردن و اول‌شدن در منطقه خود نیز نتواند وارد بوندستاگ شود که توضیح آن در ادامه آمده است. اما در برکه رای ستون دومی نیز وجود دارد که مربوط به انتخاب یک حزب سیاسی است. هر شهوند در ستون دوم اقدام به انتخاب حزب منتخب خود می‌کند. با این تفاوت که رای‌دهندگان، در انتخاب اول خود یعنی کاندیدای فردی، نماینده حوزه انتخاباتی خود را انتخاب می‌کنند، درحالی‌که در انتخاب دوم، یعنی انتخاب حزب، حزب را فارغ از منطقه و در سطح ملی انتخاب می‌کنند. به این ترتیب، انتخاب شهروندان از یک بُعد دیگر نیز قابل تقسیم است: در ستون اول در سطح منطقه‌ای انتخاب می‌کند و در ستون دوم در سطح ملی. بدیهی است که به ازای هر نماینده‌ای که وکیل منطقه خود است، نماینده‌ای نیز از احزاب وجود دارد که بیش از نگاه منطقه‌ای، به نگاه ملی می‌پردازد. این امر منجر به آن می‌شود که در قوانین و مصوبات مجلس، منافع ملی بیش از منافع حوزه انتخاباتی مورد توجه قرار گیرد.

افراد کاندیدا می‌توانند مستقل یا عضو یک حزب باشند. به همین دلیل نیز همه نمایندگان بوندستاگ عضو حزب نیستند و برخی از نمایندگان ممکن است مربوط به عنوان نمایندگان مستقل وارد بوندستاگ شوند و عضو هیچ حزبی نباشند. از سوی دیگر، احزاب در سطح ملی بر اساس رای آورده مرتب می‌شوند و احزاب رای آورده بر اساس رای خود، نمایندگان حزبی‌شان را معرفی می‌کنند. به این ترتیب، نیمی از نمایندگان مجلس بوندستاگ که نمایندگان حزبی شناخته می‌شوند، بر حسب نسبت رای به‌دست‌آمده هر حزب و توسط آن حزب معرفی می‌شوند.

به منظور شناسایی سازوکار انتخاب نمایندگان مجلس باید به موارد زیر توجه داشت.
۱- سازوکار تناسب میان رای حزب و رای فرد: به دلیل تفکیک رای فردی از حزبی، سهم هر حزب از دو طریق قابل محاسبه است؛ یک بار سهم اعضای آن حزب که توانسته‌اند به‌عنوان رای اول حوزه انتخاباتی خود وارد بوندستاگ شوند، مبنای قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، سهم هر حزب بر اساس

رایه که از طریق ستون دوم، یعنی رای حزبی آورده است. به همین دلیل در قانون انتخاباتی آلمان سازوکاری برای متناسب‌کردن این دو سهم در نظر گرفته شده است.

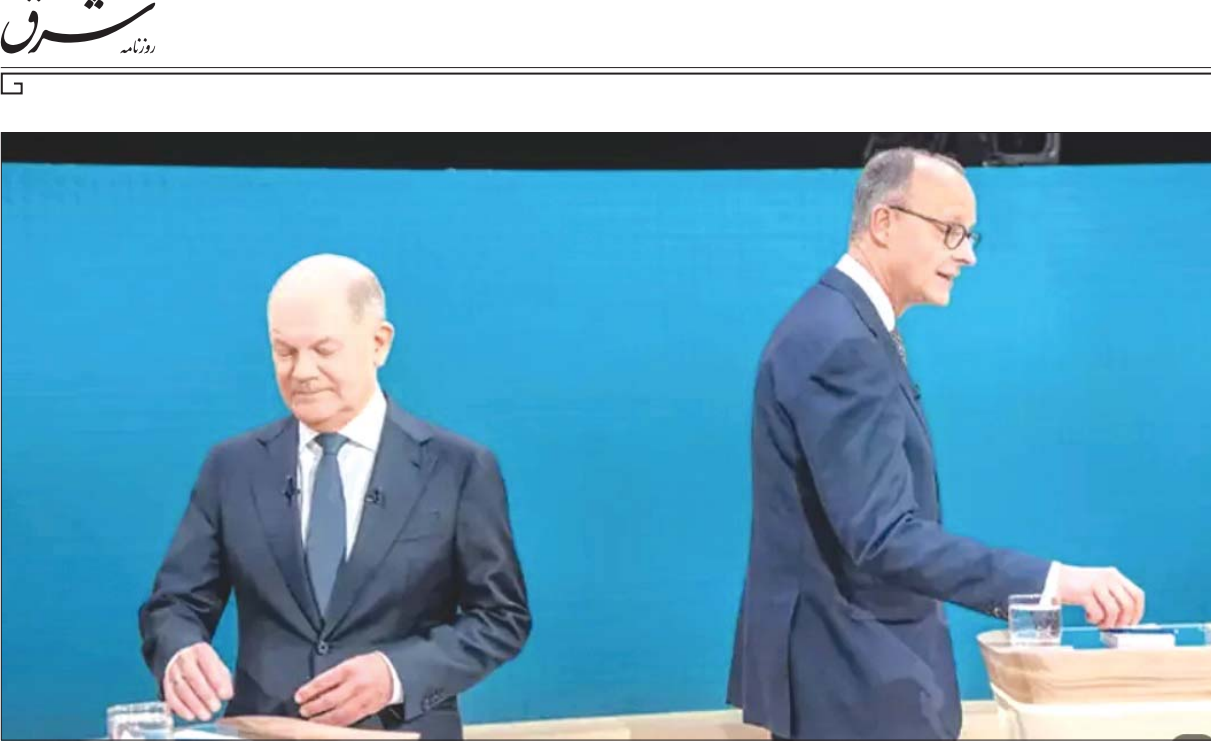
تا پیش از قانون جدید (۲۰۲۳) این تناسب از طریق افزایش کرسی‌های جدید انجام می‌شد، اما بر اساس قانون جدید، این امر از طریق کاهش کرسی‌ها انجام می‌شود. به منظور تشریح آنچه در این زمینه اتفاق می‌افتد، با یک مثال فرضی قانون جدید و قدیم مقایسه می‌شوند. فرض کنید که یک حزب بر اساس رای‌های دوم (رای‌های حزبی) ۲۸ کرسی سهم داشته باشد، اما اعضای آن حزب در ۳۰ حوزه انتخابیه پیروز شده باشند. تا پیش از قانون جدید انتخابات، افرادی که رای اول حوزه انتخاباتی خود می‌شدند، مستقیم وارد مجلس می‌شدند و به منظور حفظ این نسبت، کرسی‌های جدیدی به مجلس افزوده می‌شد. به این ترتیب از طریق سازوکاری به نام کرسی‌های اضافی، این عدم تناسب جبران می‌شد. اما بر اساس قانون جدید انتخابات، ۲۸ نفر از بردگان حوزه‌های انتخابیه که بالاترین درصد آرا را دارند، وارد بوندستاگ می‌شوند. به عبارت دیگر به صورت وارونه حزبی که افراش از خودش معتبرتر باشند، تنبیه می‌شود، درحالی‌که در گذشته پاداش می‌گرفت.

در حالت عکس، اگر به حزب ۳۰ کرسی تعلق بگیرد اما ۲۸ نفر از نامزدهای حوزه‌های انتخابیه برنده شده باشند، دو کرسی باقی‌مانده توسط لیست حزبی جبران می‌شود. یعنی اگر حزبی معتبرتر از افرادش باشد، می‌تواند نمایندگانی را از طرف خود به مجلس بفرستد.

به عبارت دیگر، تا پیش از قانون جدید انتخابات، هر کاندیدایی که بیشترین رای حوزه انتخاباتی خود را می‌آورد، وارد مجلس می‌شد. اما در قانون جدید این امر مانند گذشته نیست؛ کاندیدایی وارد بوندستاگ می‌شود که هم خودش و هر حزبش از سهمیه لازم برخوردار باشند.

۲- سازوکار حد نصاب ۵ درصد: درمده، نیمی از نمایندگان بوندستاگ حزبی هستند، یعنی به صورت غیرمستقیم وارد مجلس می‌شوند. مردم به حزب رای داده و حزب از میان افراد خود نمایندگانی را معرفی می‌کند. اما به منظور جلوگیری از پراکندگی بیش از حد کرسی‌ها در پارلمان، یک اصل دیگر نیز به سیستم انتخاباتی افزوده شده است؛ احزاب باید حداقل پنج درصد از آرای دوم در سطح کشور را به دست آورند تا حق معرفی نمایندگان خود را در بوندستاگ داشته باشند.

این قانون به عنوان «حد نصاب پنج درصد» (Fünf-Prozent-Hürde) شناخته می‌شود. به عبارت دیگر احزاب کوچکی که نتوانند آرای حداقل پنج درصد از مردم کشور را داشته باشند، شایستگی معرفی نمایندگانی را که بتوانند حافظ منافع ملی باشند، ندارند. از آنجایی که احزاب کوچک‌تر از پنج درصد رای دوم نداشته باشند، اما حداقل سه پیروزی در حوزه‌های انتخابیه کسب کند، می‌تواند وارد بوندستاگ شود. با توجه به این محدودیت، گاهی شهروندان تصمیم می‌گیرند بیا وجود علاقه به حزب مطلوب خود، حزب دیگری را که آرایایی نزدیک‌تر به او دارند، انتخاب کنند؛ چراکه ممکن است شانس حزب خود را پایین‌تر ببینند. به همین دلیل بسیاری از رای‌دهندگان آلمانی، با وجود تمایل به



رای‌دهی تلاش آلمانی‌ها بوده است تا دموکراسی خود را از شر خطراتی که در طول دوران توسعه خود داشته‌اند، حفظ کنند. مهم‌ترین توازن‌ها و مکانیسم‌های آن عبارت‌اند از:

● **توازن میان فرد سیاست‌مدار و سازمان سیاسی:** حزب به‌عنوان یک ساختار جمعی سیاسی بیش از افراد قدرت شکل‌دهی به سیاست و آینده را دارد. اما واگذاری کامل امور به احزاب و نادیده‌گرفتن افراد نیز می‌تواند به‌سرعت منجر به فاصله‌گیری احزاب از مردم می‌شود. این ساختار رای‌دهی تلاشی کم‌نظیر برای ایجاد توازن میان فرد و ساختار است. اهمیت حزب به نحوی است که در سال جاری تعداد کاندیداهای مستقل کم شده است. طبق گزارش رئیس کمیسیون انتخابات فدرال آلمان، تعداد نامزدهای مستقل (بدون وابستگی حزبی) در انتخابات بوندستاگ ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ به‌طور قابل توجهی کاهش یافته است؛ در انتخابات قبلی، ۱۹۷ نفر به‌عنوان نامزد مستقل شرکت کرده بودند، اما این‌تعداد اکنون به ۶۲ نفر کاهش یافته است. تنوع بالای احزاب از یک سو و نقش آفرینی بزرگ احزاب که اساسا به‌صورت فردی امکان‌پذیر نیست، تمایل به کار جمعی سیاسی در قالب احزاب سیاسی را افزایش داده است.

● **توازن میان احزاب کوچک و بزرگ:** همان‌طور که تعداد کم احزاب در یک کشور منجر به کاهش تنوع انتخاب و افزایش انحصار قدرت می‌شود، از سوی دیگر تعدد بالای احزاب در یک کشور نیز امکان شکل‌گیری نیروهای سیاسی قدرتمند را کاهش می‌دهد. به همین دلیل در سیستم انتخاباتی آلمان، سازوکار پنج درصد ایجاد شده است تا بر اساس آن از تعدد احزاب بسیار کوچک جلوگیری شود. از سوی دیگر از طریق سازوکار کرسی‌جبرانی، از حذف یک حزب در برابر احزاب قدرتمندتر جلوگیری کند.

● **توازن میان منافع ملی و منافع منطقه‌ای:** نمایندگان مجلس اغلب وکیل و صدای مردم محله حوزه انتخاباتی خود هستند. اغلب تصمیم‌گیری‌ها، مانند بودجه‌ریزی، تعارضی میان این دو نقش است. نمایندگان مجلس به دلیل پاسخ‌گویی به موکلان‌شان در حوزه انتخاباتی خود، اغلب منافع منطقه‌ای و محلی خود را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند. اما در سیستم آلمان به‌ازای نمایندگان محلی، نمایندگانی حزبی وجود دارند که منافع ملی را پیگیری می‌کنند تا از این ضعف نیز جلوگیری شود.

اضافی داده شود، باید با همان تناسب نیز به سایر احزاب همین تعداد کرسی داده شود تا تعادل مجدد برقرار شود. به این ترتیب اگر به همان مثال قبلی برگردیم، اگر حزب فرضی پنج کرسی اضافی کسب کرده و کرسی‌هایش از ۲۰ به ۲۵ افزایش یافته باشد، در حقیقت مانند آن است که کرسی‌هایش ۲۵ درصد (پنج کرسی از ۲۰ کرسی معادل ۲۵ درصد) افزایش یافته است و به همین دلیل کرسی‌های همه احزاب عضو پارلمان به همان نسبت افزایش می‌یابد.
۴-انتخاب نامزدهای فهرست حزبی: فهرست نمایندگان احزاب برای انتخابات بوندستاگ معمولاً از طریق فرآیندهای داخلی حزب انتخاب می‌شود. احزاب معمولاً کنفرانس‌ها یا کنگره‌های حزبی برگزار می‌کنند که در آن اعضای حزب به نامزدهای فهرست رای می‌دهند. این انتخابات داخلی می‌تواند در سطح محلی، ایالتی یا ملی برگزار شود. پس از انتخابات داخلی، فهرست نهایی نامزدها توسط هیئت اجرائی حزب تأیید می‌شود. ترتیب نامزدها در فهرست نیز مهم است؛ زیرا نامزدهای بالاتر در فهرست شانس بیشتری برای انتخاب‌شدن دارند.

برخی احزاب در آلمان از رای‌گیری آنلاین برای انتخابات داخلی خود استفاده می‌کنند. این روش به اعضای حزب اجازه می‌دهد تا به صورت آنلاین و از راه دور در انتخابات شرکت کنند. رای‌گیری آنلاین می‌تواند مزایایی مانند افزایش مشارکت، کاهش هزینه‌ها و تسریع در اعلام نتایج داشته باشد. با این حال، استفاده از رای‌گیری آنلاین نیازمند تضمین امنیت و صحت انتخابات است تا از تقلب و دستکاری جلوگیری شود.

درس آموزی‌هایی از سیستم انتخاباتی

سیستم انتخاباتی آلمان را می‌توان سیستمی دانست که بر پایه انگاره‌هایی بسیاری کلیدی شکل گرفته و رشد کرده است. اما شاید مهم‌ترین ویژگی آن را سیستمی برای ایجاد «توازن و تعادل» در قدرت دانست. این توازن و تعادل که کلید اصلی توسعه‌یک جامعه است، همان چیزی است که برنده نوبل اقتصاد آن را در قالب مفهوم «دالان باریک» صورت‌بندی کرده است. در حقیقت این سیستم رای‌دهی تلاشی است تا از روش‌های مختلفی قدرت جامعه در برابر قدرت حکومت حفظ شود. در حقیقت این سیستم

چگونگی سقوط دولت شولتز

سه‌گانه شد. پس از آن، حزب سوسیال‌دموکرات (SPD) و

حزب سبزها یک دولت اقلیت تشکیل دادند.

در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۲۴، شولتز درخواست رای اعتماد مجدد را برای دولت خود در بوندستاگ مطرح کرد که موفق به کسب رای اعتماد نشد. در نتیجه انتخابات زودهنگام برای ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ برنام‌ریزی شد. این برکناری و شکست ائتلاف، یک نقطه عطف مهم در سیاست آلمان بود که به انتخابات زودهنگام منجر شد.

دچار بحران شد. در تاریخ ششم نوامبر ۲۰۲۴، اولاف شولتز،

صدراعظم آلمان، کریستیان لیندر، وزیر دارایی را از سمتش برکنار کرد. این اقدام پس از اختلافات مداوم درون ائتلاف سه‌گانه (SPD، FDP، و سبزها) دربارهٔ سیاست‌های اقتصادی صورت گرفت. شولتس در بیانیه‌ای تأکید کرد که برای گرفتن تصمیمات لازم برای کشور، وجود یک دولت توانمند ضروری است. در پی این برکناری، حزب دموکرات آزاد (FDP) تمام وزیران خود را از دولت خارج کرد که منجر به شکست ائتلاف

وضعیت فعلی انتخابات ۲۰۲۵ آلمان



شامل حزب دموکرات مسیحی (CDU/CSU)، حزب سبزها (Grüne) و حزب دموکرات آزاد (FDP) است. این ائتلاف به دلیل رنگ‌های احزاب شرکت‌کننده، به نام جامائیکا شناخته می‌شود. با توجه به مرزی‌بودن ورود حزب دموکرات آزاد (FDP)، شناسش تشکیل این ائتلاف

دولت آلمان تا نوامبر ۲۰۲۴ یک دولت ائتلافی به رهبری اولاف شولتز (Olaf Scholz) بود که به نام «ائتلاف چراغ راهنمایی» (Ampelkoalition) معروف بود و شامل سه حزب اصلی زیر بود:

- حزب سوسیال‌دموکرات (Sozialdemokratische Partei Deutschlands) (SPD)
- حزب سبزها (Bündnis 90/Die Grünen) (Grüne)
- حزب دموکرات آزاد (Freie Demokratische Partei) (FDP)

چگونگی سقوط دولت

این دولت به دلیل اختلافات داخلی و فشارهای اقتصادی

انتخابات ۲۰۲۵ آلمان امروز ۲۳ فوریه برگزار می‌شود و

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که رقابت بسیار نزدیکی میان احزاب مختلف وجود دارد. به صورت عمومی و بر اساس میانگین این نظرسنجی‌ها می‌توان درصد هر یک از احزاب را به این‌گونه برآورد کرد:

حزب دموکرات مسیحی (Christlich) (CDU/CSU)
حزب آلترناتیو برای آلمان (Alternative für) (AfD)
حزب (Deutschland) حدود ۲۱ درصد
حزب سوسیال‌دموکرات (SPD)
حزب (Sozialdemokratische Partei Deutschlands) حدود ۱۶ درصد
حزب سبزها (Bündnis/۹۰ Grüne) (Die Grünen) حدود ۱۴ درصد
حزب چپ (Die Linke) حدود ۶ درصد
حزب اتحاد سارا واکنکنشت (BSW)
حزب (Bündnis Sahra Wagenknecht) حدود ۵ درصد
حزب دموکرات آزاد (FDP)
حزب (Freie Demokratische Partei) حدود ۴ درصد.

سناریوهایی برای دولت ائتلافی آینده

با توجه به نتایج نظرسنجی‌ها، هیچ حزبی به تنهایی قادر به کسب اکثریت مطلق نیست؛ بنابراین تشکیل دولت ائتلافی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در زیر به برخی

^[1] سیستم رای‌دهی دوگانه برآمده از یک درک تاریخی است

^[2] سیستم رای‌دهی دوگانه برآمده از یک درک تاریخی است